



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۱۰ مهر ۱۳۹۱

مصادف با: ۱۴ ذی القعدة ۱۴۳۳

جلسه: ۲

موضوع کلی: تحریف در قرآن

موضوع جزئی: تنقیح محل نزاع

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

معنای اصطلاحی تحریف:

بحث در معنای تحریف بود، عرض کردیم تحریف یک معنای لغوی دارد و یک معنای اصطلاحی. معنای اصطلاحی تحریف متعدد است و چندین معنی برای اصطلاح تعریف ذکر شده که ما به نه معنا اشاره می‌کنیم. علت ذکر این معانی برای این است که محل نزاع و بحث کاملاً معلوم شود که ما که منکر تحریف هستیم و می‌خواهیم دلیل بر عدم تحریف اقامه کنیم یا کسانی که قائل به تحریف‌اند و دلیل بر تحریف اقامه کرده‌اند مراد کدام معنی از معنای تحریف است. به طور کلی اگر بخواهیم معنای اصطلاحی تحریف را دسته‌بندی کنیم می‌توانیم بگوییم سه دسته وجود دارند:

الف) یک دسته از معنای آن معانی هستند که واقع شده‌اند لکن مورد نهی و منع هم قرار گرفته‌اند.

ب) دسته دوم آن معانی هستند که واقع شده و مورد نهی هم نیست.

ج) دسته سوم آن معنایی از تحریف است که بالاتفاق بین المسلمین واقع نشده و کسی هم که قائل به آن باشد بر خلاف نص قرآن سخن گفته است.

پس به طور کلی تحریف بانواعه و اقسامه نه تا است اما این اقسام در سه دسته قابل تقسیم بندی است، بعضی از این اقسام در گذشته واقع شده‌اند و قابل انکار هم نیست اما مورد نهی قرار گرفته‌اند مثل بسیاری از محرمات و معاصی که در عین حال که ممنوع بوده واقع شده، بعضی از اقسام هم واقع شده‌اند و هیچ اشکالی هم در تحریف به این معنا نیست و قسم سوم که محل بحث ماست معنایی از تحریف است که اساساً مورد انکار واقع شده و به اعتقاد اکثریت قریب به اتفاق مسلمین باطل است.

معنای نه‌گانه تحریف:

۱) معنای اول همان معنایی است در آیه شریفه «بحرفون الکلم عن مواضعه»^۱ به آن اشاره شده که منظور از تحریف، تفسیر بغیر ما انزل یا به عبارت دیگر سوء التأویل است. طبق این معنا تحریف عبارت است از تفسیر و تأویل ناروا به این معنی که قرآن به غیر ظاهر کلام و بر غیر مراد واقعی خداوند متعال حمل شود. این تأویل از آن جهت که مستند نیست باطل است لذا از آن به سوء التأویل تعبیر می‌شود، سوء التأویل در مقابل حسن التأویل است که این نشان می‌دهد اصل تأویل مشکلی ندارد به شرط آن که مستند به یک دلیل معتبر باشد.

۱. مائده/۱۳ - نساء/۴۶.

این معنا از تحریف از قسم اول محسوب می‌شود یعنی قطعاً چنین مسئله‌ای واقع شده چون مشاهده می‌شود که در طول تاریخ بسیاری از افراد قرآن را به غیر مراد خداوند متعال معنی کرده و تأویل سوء در مورد بعضی از آیات داشته‌اند، اهل بدعت، مفسرین به رأی که در روایات به شدت مورد مذمت قرار گرفته‌اند یکی از کارهایی که انجام می‌دادند این بوده که قرآن را به غیر مراد خداوند متعال معنی می‌کردند و تفسیر به رأی که پیامبر(ص) در روایت می‌فرماید: «مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَلَيْتَبُوءَ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ»^۱ ناظر به همین معنی است. پس این معنا از تحریف واقع شده و وقوع آن قابل انکار نیست اما به اتفاق شیعه و اکثر اهل سنت ممنوع و مورد نهی واقع شده است.

۲) معنای دوم نقص یا زیاده در حروف و حرکات است با حفظ اصل قرآن و آیات آن یعنی کلمات قرآن حفظ شده و زیاده یا نقیصه در کلمات نیست اما در حروف و حرکات نقص یا زیاده صورت گرفته است.

این معنا از تحریف هم نسبت به قرآن واقع شده چون تغییر در حروف و حرکات در واقع همان اختلاف قرائات است، در بحث تواتر قرائات مطرح شد که قرائات متواتر نیستند، قرائت‌های زیادی مخصوصاً از زمان پیامبر(ص) تا قرون اولیه بعد از رحلت پیامبر(ص) وجود داشته و کسانی بوده‌اند که قرآن را بر خلاف مشهور قرائت می‌کرده‌اند و از آنجا که ما تواتر قرائات نداریم - البته قرائت مشهور داریم که مثلاً قرائت مشهور هفت قرائت است ولی غیر از این قرائات بقیه کم‌کم از دایره استفاده مسلمین کنار رفته - تردیدی نیست که تحریف به این معنی هم در قرآن واقع شده و قابل انکار نبوده و حرمت هم ندارد و ممنوع نیست.

۳) معنای سوم نقص یا زیاده به یک یا دو کلمه با حفظ اصل قرآن است. نقص یا زیاده به یک یا دو کلمه در صدر اسلام واقع شده و بسیاری از قرآن‌هایی که به دستور عثمان آتش زده شد تا قرآن یکسان سازی شود شامل زیاده و نقیصه بعضی کلمات بودند پس در اینکه چنین تحریفی در آن زمان در قرآن واقع شده بحثی نیست لکن مسئله این است که این قرآنی که الآن بین مسلمین رایج است همان قرآن نازل شده از طرف خداوند متعال است و در جای خود هم ثابت شده، بنابراین در قرآنی که الآن موجود است چنین تحریفی واقع نشده بلکه قبل از یکسان سازی قرآن این نوع تحریف واقع شده ولی بعد از یکسان سازی مصاحف به دستور عثمان این نوع تحریف از بین رفته است. پس این قسم نسبت به قرآن واقع شده گرچه جایز نبوده و نیست که چنین تحریفی در قرآن صورت بگیرد.

۴) معنای چهارم ثبت یک آیه یا سوره در مصحف بر خلاف ترتیب نزول است. در مورد سوره‌ها این نوع تحریف تحقق پیدا کرده یعنی بعضی از سوره‌ها جابجا شده‌اند اما اینکه آیا آیات هم جابجا شده‌اند در حد یک احتمال مطرح است اما تحریف به این معنا هم واقع شده و منعی هم از آن وجود ندارد. منع ندارد به این معنا است که در همان حدی که واقع شده ممنوع نیست نه اینکه اکنون هم کسی مجاز باشد این جابجایی را در قرآن انجام دهد بلکه الآن ممنوع است که کسی این جابجایی‌ها را انجام دهد لذا وقوع این معنا از تحریف هم قابل انکار نیست.

۱. کافی، ج ۸، ص ۵۳، حدیث ۱۶.

۵) معنای پنجم از تحریف اختلاف در لهجه است. البته اطلاق تحریف بر این موارد ممکن است همراه با تکلف باشد و می‌توانید بررسی کنید که با توجه به معنای لغوی تحریف کدام یک از این معانی نه‌گانه با معنای لغوی تحریف سازگارتر است و یا کدام اصطلاح رایج است مثلاً در مورد اختلاف در لهجه آیا استعمال شده که کسی به اختلافاتی که در لهجه‌ها وجود دارد اطلاق تحریف کند و بگوید تحریف صورت گرفته است یا نه؟ طبیعتاً هر قوم و قبیله‌ای قرآن را به لهجه خویش قرائت می‌کرده، معروف این است که قرآن به لهجه قریش نازل شده ولی به‌رحال چون لهجه‌ها و گویش‌ها متفاوت بوده و کسانی که قرآن را یاد می‌گرفتند دارای لهجه‌ها و گویش‌های مختلف بودند طبیعتاً یک اختلافی در نحوه قرائت پدید آمده که ناشی از لهجه بوده است. تحریف به این معنی هم واقع شده و هم پیامبر(ص) آن را اجازه داده‌اند و ممنوع هم نیست و آیه شریفه‌ای که دلالت می‌کند بر اینکه قرآن بر هفت حرف نازل شده حمل شده بر اختلاف در لهجه‌ها و گویش‌ها. به‌رحال این معنا از تحریف هم به حسب واقع قابل انکار نیست و ممنوع هم نمی‌باشد.

۶) معنای ششم تحریف به زیاده و تقیصه در آیه یا سوره با تحفظ بر اصل قرآن است. یعنی مثلاً یک آیه را زیاد یا کم کنند مثل بسم‌الله الرحمن الرحیم که در مورد آن اختلاف شده که آیا جزء سوره هست یا نه؟ علماء شیعه بالاتفاق معتقدند بسم الله جزء سوره است اما در بین علماء اهل سنت اختلاف است؛ بعضی می‌گویند جزء سوره است و بعضی می‌گویند جزء سوره نیست و مدعی هستند که سیره پیامبر(ص) این بوده که وقتی می‌خواست سوره‌ای را شروع کند با بسم الله شروع می‌کرد و حتی سیره مسلمین هم این گونه بوده ولی این بدین معنی نیست بسم الله جزء سوره بوده بلکه به این عنوان بوده که شروع سوره با بسم الله باشد. به‌رحال اینکه بسم الله جزء سوره باشد یا نه یک نوع تحریف است که این قسم از تحریف هم واقع شده و ممنوع هم نیست.

۷) معنای هفتم تبدیل کلمات است یعنی لفظی را جایگزین لفظ دیگر کردن مانند آن که یک لفظی برداشته و لفظ مرادف آن جایگزین شود مثلاً در مورد عبدالله بن مسعود نقل شده که بعضی از کلمات سخت را به کلمات آسان تبدیل می‌کرده البته با این شرط که اصل معنا تغییر نکند. عمل عبدالله بن مسعود حجت نیست ولی بحث این است که آیا چنین چیزی واقع شده یا نه و آیا کسی قائل به جواز آن هست یا نه؟ چه بسا او کلمات را در خود آیات جایگزین نمی‌کرده بلکه در مقام تفسیر بوده یعنی مثلاً وقتی قرآن را قرائت می‌کرده اگر کلمه‌ای سخت بوده مرادف آن را هم لابلای قرائت می‌گفته تا معنا روشن و واضح شود لذا با اینکه چنین چیزی واقع شده ولی اصل این کار تحریف و نسبت به قرآن ممنوع است.

۸) معنای هشتم تحریف به زیاده است که بعضی از سوره‌ها جزء قرآن نبوده و بعداً اضافه شده مثلاً بعضی از خوارج معتقد بودند سوره یوسف به قرآن اضافه شده است. این قسم هم بالاتفاق بین مسلمین باطل است.

۹) معنای نهم و اصلی‌ترین معنا که موضوع بحث و نزاع ماست تحریف به تقیصه است یعنی قرآن واقعی و حقیقی بیش از مقداری است که در دست ماست و بعضی از قسمت‌های قرآن به هر دلیلی یا عمدتاً و یا سهواً از بین رفته است. این قسم از تحریف موضوع بحث است که اینجا هم به غیر از جمعی که قائل به وقوع تحریف به این معنا هستند اکثریت قریب به اتفاق

مسلمین قائل به عدم وقوع این قسم از تحریف در قرآن شده‌اند و فقط گروه حشویه از اهل سنت و بعضی از اخباری‌ها از شیعه قائل به وقوع تحریف به این معنا شده‌اند.

به‌هرحال از بین این معانی نه‌گانه که برای تحریف ذکر شد فقط معنای اخیر یعنی معنای نهم که تحریف به تقیصه است محل بحث و نزاع است و ما می‌خواهیم ببینیم آیا تحریف به این معنی واقع شده یا نه؟

«والحمد لله رب العالمین»